

کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان

هادی صادق زاده*

چکیده

همه موجودیت و هستی مسلمانان، به هویت اسلامی آنان بستگی دارد. اگر مسلمانان به هویت خود توجه نداشته باشند و از معارف اصیل دین خود فاصله بگیرند، با مرور زمان، به صورت انسان‌هایی فاقد هویت درآمده، بازیچه سیاست‌های ابرقدرت‌ها می‌شوند. لذا دشمنان اسلام همواره سعی و تلاششان در راستای تضعیف و از بین بردن عناصر هویتی مسلمانان بوده است.

حج، از عبادات بزرگ و اثرگذار اسلامی است که همه ساله، اجتماع عظیمی از مسلمانان را در زمان و مکانی واحد گرد هم می‌آورد. افرادی که در این چند روز به دور از مادیات و خانه و زندگی و تعلقات مادی گرد هم می‌آیند، فرصت مناسبی برای تفکر در حقیقت هستی خود و زندگی به دست می‌آورند و این مسأله می‌تواند در ایجاد هویت واحد اسلامی تاثیرگذار باشد. در این مقاله، به دنبال این مطلب هستیم که آیا حج با مناسک ویژه‌ای که دارد، می‌تواند در تقویت هویت دینی - فرهنگی مسلمانان نقش آفرینی کند؟ اساساً کارکرد حج در تقویت عناصر ارزشی و هویت فرهنگی و اسلامی مسلمانان چیست؟ در حقیقت هدف اصلی این نوشتار بیان کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج، در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان است که

*. کارشناس ارشد ارتباطات گرایش حج و زیارت، دانشگاه قرآن و حدیث 5576hadi@gmail.com

خود هویت فرهنگی از عناصر دیپلماسی فرهنگی می‌باشد. مناسک حج سرشار از دستوراتی است که در راستای سعادت دنیا و آخرت مسلمین تشریح شده و با شناخت درست این اعمال و مناسک و انجام صحیح آنها و آشنا شدن به اسرار و معارف مناسک حج و چشیدن ثمره وحدت بخش این مناسک، مسلمانان نسبت به هویت دینی و فرهنگی خود دل‌بستگی پیدا می‌کنند و قادران آن می‌شوند و این باعث می‌شود که در جهت نشر و ترویج فرهنگ خود تلاش و کوشش به عمل آورند.

واژگان کلیدی: حج، هویت، فرهنگ، دیپلماسی، کارکرد.

هویت را اینگونه تعریف کرده‌اند:

«ماهیت مشخص و متعین جزئی که در خارج موجود است؛ مانند هویت احمد و هویت اسب. چون مجموعه تشخیصات و تعینات هر موجودی اختصاصی اوست. هویت هر موجود هم اختصاصی اوست و بنابراین، هیچ فردی با فرد دیگر هم هویت نیست.» (خوانساری، ۱۳۷۶ش، ص ۲۸۹).

بنابراین تعریف، هویت به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و خصلت‌ها اطلاق می‌شود که افراد به خود نسبت می‌دهند و معمولاً در پاسخ پرسش «من کیستم؟» بیان می‌شود. این ویژگی‌ها شامل جنسیت، نژاد، سن، دین، شغل و سایر صفات شخصیتی می‌شود که غالباً افراد خود را با این خصائص توصیف می‌کنند.

هویت دینی، به معنای احساس تعلق و تعهد فرد به باورها، احکام و ارزش‌های دینی است. بنابراین، هویت دینی به رابطه انسان و دین می‌پردازد و به پرسش‌های بنیادین و عمیق او درباره هستی و خود، مثل من کیستم؟ و به کجا تعلق دارم؟ پاسخ قانع کننده می‌دهد. اگر فرد درباره خود به یک نظام معرفتی دست یافت، به اصالت و هویت خود احساس الفت و تعلق خاطر پیدا می‌کند و وابستگی به هویت، زمینه‌ساز حفظ و تقویت آن خواهد بود و به مقاومت، دفاع و جانبداری منطقی و مستدل دست می‌زند.

هویت فرهنگی، مهم‌ترین نوع هویت است. هم از لحاظ ساخت و محتوا و هم از لحاظ شرایط زمانی، باید مورد توجه عمیق و جامع قرار گیرد؛ زیرا به صورت جدی و اساسی در تحقق سایر هویت‌ها نقش دارد. هویت فرهنگی؛ یعنی این‌که: فرد به درستی فرهنگ خود را شناخته، درک کرده و وجوه امتیاز آن را نسبت به سایر فرهنگ‌ها بداند همچنین قادران آن باشد و در پرورش و اشاعه فرهنگ خود تلاش نماید.

منزلت هویت فرهنگی، همانند فرهنگ ارجمند و درخور تأمل است. شناخت عمیق از هویت فرهنگی مبتنی بر مقایسه فرهنگ خودی با سایر فرهنگ‌ها است، به‌ویژه فرهنگ‌هایی که از مشترکاتی با فرهنگ خودی برخوردارند. چنین موقعیتی، زمینه‌ساز انس و الفت فرهنگی است؛ زیرا آدمی با پدیده‌ای مأنوس می‌شود که با آن ارتباط شناختی داشته باشد و حاصل این امر، نوعی تعلق خاطر و دلبستگی به فرهنگ خودی است. استمرار این دلبستگی، موجب شکل گرفتن بخشی از هویت فرهنگی است. هویت فرهنگی؛ یعنی این‌که: فرد به درستی فرهنگ خود را شناخته، درک کرده و وجوه امتیاز آن را نسبت به سایر فرهنگ‌ها بداند، همچنین قدردان آن باشد و در پرورش و اشاعه فرهنگ خود تلاش نماید (شرفی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

با توجه به اینکه حج، کارکردهای مختلف و فراوانی در زندگی مسلمانان دارد، سؤال اصلی در این مقاله این است که: کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان چیست؟ و فرضیه در این مقاله بر این مطلب استوار است که: دیپلماسی فرهنگی حج می‌تواند باعث تقویت هویت فرهنگی مسلمانان شود.

دیپلماسی فرهنگی (Cultural diplomacy)

بنابر تعریفی، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، زندگی، هنر، سبک ارزشها، سنتها و اعتقادات، به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملتها و کشورها (ژان میلسن و همکاران، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۶۷).

فرانکو نینکوویچ، دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان معرفی می‌کند که بر اساس ارزشهای مشترک صورت می‌پذیرد (رضا صالحی امیری و سعید محمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹). از این تعریف می‌توان فهمید که دیپلماسی فرهنگی در گام نخست یک فن در سیاست خارجی است. بدین معنا که سیاستمداران تلاش می‌کنند از طریق آن تعاملات، خود را با جهان پیرامون گسترش دهند و از طریق ارزشهای جهان شمول، این پروژه را پیش ببرند. در تعریفی دیگر دیپلماسی فرهنگی به معماری یک بزرگراه دو طرفه، به منظور ایجاد کانالهایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزشهای یک ملت و در عین حال تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از

سایر ملتها و فهم ارزشهای آنها تعبیر گردیده است (همان، ص ۱۱۰). از این تعریف نیز می‌توان دریافت که دیپلماسی فرهنگی یک فرایند دوطرفه است و بر ارزشهای فرهنگی و اجتماعی ملتهای درگیر، استوار است.

دیپلماسی فرهنگی، یکی از مثال‌های اولیه قدرت نرم (Soft power) یا قابلیت ترغیب دیگران از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها می‌باشد که در مقابل قدرت سخت (Hard power) - که غلبه کردن یا مجبور نمودن از طریق قدرت نظامی است - قرار دارد.

در هر صورت دیپلماسی فرهنگی می‌تواند مبنا و زمینه‌ساز همکاری و تعامل جهانی و منطقه‌ای باشد که شبکه‌های ارتباطی جدیدی بین ملت‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی به وجود آورد.

برای حل معضلات جدید جهانی؛ بقای همه فرهنگ‌ها و ارتباط میان آن‌ها از طریق دیپلماسی فرهنگی ضروری است. این امر نه تنها امکان مفاهمه و حل مشکلات را فراهم می‌آورد بلکه شرایط لازم برای عقلایی شدن و همگرایی بیشتر را نیز فراهم می‌کند. بنابراین، منظور از دیپلماسی فرهنگی در این بحث سطح اشتراکات دینی - مذهبی و پایین آوردن اختلافات قومی - مذهبی می‌باشد که حج می‌تواند در این زمینه‌ها کارگشا باشد.

در زمان حاضر، به علت ظهور مباحثی نظیر جهانی شدن و فرهنگ واحد جهانی، فرهنگ از حاشیه مباحث اجتماعی، به متن کشانده شده و اهمیت دیپلماسی فرهنگی بیش از پیش مطرح شده است. لذا در مقابل نظریه فرهنگ جهانی، بحث تنوع فرهنگی مطرح گردیده و ضرورت دیپلماسی فرهنگی به روشنی آشکار و نمایان شده است. ریچارد آرمیتاژ معاون اسبق وزارت امور خارجه آمریکا معتقد است: دیپلماسی منحصر به گفتگو با دوستان نیست، اگر توانستید با مردمی صحبت کنید که دوست نیستند، آن نشانگر قدرت دیپلماسی شماست. (همان، ص ۱۱۰).

از آن‌جا که دیپلماسی فرهنگی کشورها اغلب در برگیرنده روش‌های خلاقانه و ابتکاری برای معرفی خودشان است، لذا ماهیتاً لذت بخش بوده و در جعبه ابزار دیپلماتیک می‌تواند جزو یکی از مؤثرترین ابزارها باشد و به همین دلیل است که امروزه اغلب کشورهای جهان، به اهمیت این پدیده پی برده و بخش‌هایی در ساختار قدرت سیاسی‌شان برای مدیریت این فرایند در نظر گرفته‌اند.

بحران هویت دینی و فرهنگی

فرهنگ مسلمانان برگرفته از دستورات و قوانین اسلام است، لذا می‌توان هویت فرهنگی مسلمانان را به نوعی همان هویت دینی اسلامی دانست. چهار عنصر ارزشی توحید، نبوت، کتاب واحد و قبله واحد مورد اتفاق و قبول همه مسلمین می‌باشد و همین عناصر ارزشی که برگرفته از متن اسلام هستند، هویت مسلمانان را مشخص می‌کنند و به هر دلیلی که مسلمانان از این ارزشها فاصله بگیرند یا اجازه دهند این عناصر ارزشی و هویتی تضعیف شوند گرفتار بحران هویت می‌شوند.

پل تیلیخ (۱۹۶۵-۱۸۸۶) از متکلمان مشهور آلمان و از بنیانگذاران الهیات معاصر پروتستان، درباره بحران هویت می‌گوید: «بحران هویت زمانی رخ می‌دهد که افراد یک جامعه ملی و دینی از فرهنگ خویش فاصله بگیرند و حد و مرز واقعی خود و جایگاه خود را از دست بدهند.» (جرالد سی. براوتر، ۱۳۸۴، ص ۱). و لذا مسلمانان باید بدانند که دشمنان اسلام به صورت جدی در تلاشند تا از تحقق فرهنگ اصیل اسلام جلوگیری کرده و از طریق تبلیغات وسیع موجبات تضعیف عناصر ارزشی هویت فرهنگی مسلمانان را که ریشه در اسلام و ارزشهای دینی دارند، فراهم کنند و فرهنگ مخصوص خود را که دوری از خداوند و خالق متعال است، بر دنیا تحمیل نمایند اما جهان اسلام باید کاملاً آگاه و هوشیار باشد تا از این گونه موارد جلوگیری کند و برای رشد فرهنگ اصیل اسلام، از تمام ظرفیت‌های موجود در دین اسلام؛ به خصوص ظرفیت حج، برای تقویت و اشاعه هویت و فرهنگ اسلامی استفاده نماید؛ چرا که حج علاوه بر اینکه فضایی معنوی و تربیتی و اخلاقی دارد، دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز می‌باشد و با توجه به اینکه عناصر هویتی مشترک بین مسلمانان در حج بروز و ظهور دارند، انجام مناسک حج به صورت صحیح می‌تواند اسلام و مسلمانان را در یک جایگاه رفیع بین‌المللی قرار دهد و باعث تقویت هویت فرهنگی اسلامی شود؛ به عبارت دیگر، حج علاوه بر اینکه با توانمندی‌های اخلاقی و معنوی و تربیتی و همچنین ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی خود، باعث تقویت هویت فرهنگی مسلمانان می‌شود، کارکردهای بیرونی و بین‌المللی هم دارد؛ به این ترتیب که مسلمانان حاضر در مناسک عظیم حج، همگی از یک کشور و یک منطقه

و ملیت و نژاد نیستند بلکه از سراسر جهان با ملیت و نژاد و مذاهب مختلف هستند و هر کدام از اینها بعد از بازگشت به سرزمین خود می‌توانند سفیر اسلام در منطقه خود باشند و معرف این آیین الهی شوند و باعث نشر و گسترش اسلام حقیقی گردند که از این طریق علاوه بر اینکه هویت درونی خود را تقویت کرده‌اند در عرصه بین‌الملل نیز چهره حقیقی اسلام را به دنیا نشان داده‌اند.

زمینه‌های تقویت هویت فرهنگی در مناسک حج

گفته شد، هویت فرهنگی؛ یعنی این که: فرد به درستی فرهنگ خود را شناخته، درک کرده و وجوه امتیاز آن را نسبت به سایر فرهنگ‌ها بداند، همچنین قدردان آن باشد و در پرورش و اشاعه فرهنگ خود تلاش نماید؛ از جمله مواردی که متناسب با این مبحث می‌شود در اینجا متذکر شد، پاره‌ای از مناسک حج می‌باشد که در محرمات احرام آمده است. برخی دستورات الهی که چهارده قرن پیش در مناسک حج تشریح شده، امروزه سیاستمداران و اندیشمندان و مردم سراسر دنیا، مستقیم و غیر مستقیم به دنبال تحقق آن دستورات و قوانین انسانی در سراسر جهان هستند. دیپلماسی فرهنگی در پی ایجاد تفاهم متقابل و نزدیکی دولتها و ملتها به همدیگر و در نتیجه تعامل سازنده طرفینی می‌باشد و از طرفی یکی از مهمترین نیازمندیهای جامعه بشری نیاز به صلح و امنیت است؛ چرا که در سایه سار صلح و امنیت اجتماعی است که بشر می‌تواند زندگی خوب و راحتی داشته باشد، اما با وجود ناامنی و اختلاف و نزاع و خونریزی انسان در زندگی، آسایش و راحتی ندارد. به همین منظور، دولت‌ها و ملت‌ها برای رسیدن به صلح و آرامش، همیشه کوشش و تلاششان بر این بوده است که در تعاملات گوناگون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، به بحث و مذاکره بپردازند و برای رسیدن به توافق طرفینی و تفاهم متقابل کمتر به طرف گزینه‌های خشونت‌آمیز بروند و درباره خلع سلاح و کنترل تسلیحات کوشش کنند.

همه این اقدامات که با هزینه‌های انسانی و مالی فراوان در جهت ایجاد صلح و امنیت انجام می‌شود، به نتیجه مطلوبی نرسیده و همچنان جنگ و ترور و خونریزی سرتاسر جهان را فرا گرفته است؛ در صورتی که همین قوانین هزار و چهارصد سال قبل به عنوان

مجموعه‌ای از قوانین و دستورات الهی توسط پیامبر اسلام برای بشریت به ارمغان آورده شد و لذا در مناسک حج باب محرمات احرام، مراجع محترم تقلید این قانون را در قالب یک مسأله شرعی اینگونه بیان می‌کنند که: برای مُحرم جایز نیست سلاح بپوشد، بلکه بنابر احتیاط، حمل سلاح هم به طوری که او را مسلح بدانند جایز نیست و مقصود از سلاح هر چیزی است که در عرف به آن سلاح گویند؛ مانند شمشیر و تفنگ و نیزه و... (مراجع عظام تقلید)

در تعالیم و دستورات حج نه تنها صلح و امنیت برای انسانها بیان شده، بلکه امنیت حیوانات هم مورد توجه شریعت اسلامی قرار گرفته است و لذا کشتن و شکار کردن حیوانات صحرائی و هرگونه معاونت در این عمل یا حتی راهنمایی و هدایت شخص دیگر برای شکار، حرام اعلام شده و شخصی که هر کدام از این اعمال را مرتکب شود باید جریمه شود و کفاره دهد. همچنین دور انداختن حشرات و جانوران موذی که روی بدن حاجی در حال احرام قرار گرفته‌اند، جایز نیست و اگر این کار را انجام دهد باید کفاره دهد اما فرموده‌اند جا به جا کردن آن حیوان اشکال ندارد که همه این موارد بیانگر نهایت احترام به حقوق حیوانات و رعایت حقوق آنها است.

دقت و تأمل در این موارد که نظایر آن فراوان است، انسان را نسبت به دین و فرهنگ برگرفته شده از دین قدردان و شاکر می‌کند و باعث می‌شود که مسلمانان با فخر و مباهات نسبت به نشر و ترویج و گسترش این آموزه‌های الهی و آسمانی اقدام کنند و در سایه وحدت و یکدلی، موجبات تقویت هویت فرهنگی و دینی خود را فراهم آورند.

تأثیر حج بر تقویت هویت ملل اسلامی

به جا آوردن مناسک حج در سرزمین وحی و مشاهده مشاعر مقدس، زمینه آشنایی حج‌گزار را با ریشه‌های فرهنگی و اسلامی فراهم می‌کند. او می‌تواند ریشه‌های تاریخی پیدایش دین خود را بشناسد، از ویژگی‌های بارز و برجسته اسلام آگاه شود و از جایگاه دین خود بین ادیان دیگر شناخت دقیق‌تری پیدا کند. شواهد تجربی حکایت از تأثیر مراسم مذهبی در شکل‌گیری هویت دینی می‌کند.

امام سجاد علیه السلام خطاب به شبلی فرمودند: «فَحِينَ صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ بِصَلَاةِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام» (نوری، ۱۴۰۷ق.، ص ۱۶۸).^۱

از آنجا که حضرت ابراهیم علیه السلام بنیانگذار ادیان توحیدی است، می توان گفت که امام سجاد علیه السلام شبلی را به دین توحیدی راهنمایی می کند. با یادآوری مقام ابراهیم و لزوم توجه به ارزش های خلق شده به دست او که سر سلسله ادیان توحیدی است، گذشته دینی حج گزار را به او معرفی می کند و به این وسیله به هویت دینی و تقویت آن کمک می کند.

از سوی دیگر انسان تنها با قدرت تعقل خود زندگی نمی کند و نمی تواند برای تأمین منافع خود دست به محاسبه بزند و خردمندانه عمل کند، مگر آنکه پیش از آن خود را تعریف کرده باشد. سازوکار تأمین منفعت، مشروط به آگاهی از هویت است. زمانی که تغییرات سریع اجتماعی روی می دهد، هویت های جا افتاده، از هم گسیخته می شود، خود دوباره تعریف می شود و هویت تازه ای شکل می گیرد. دین برای کسانی که با پرسش هایی از این دست روبه رو هستند که من کیستم؟ و به کجا تعلق دارم؟ پاسخی قانع کننده دارد. همه ادیان به افراد، حس هویت عطا می کنند و راه زندگی را نشان می دهند.

در این فرآیند، مردم یا هویت تاریخی خود را دوباره باز می یابند یا آن را به وجود می آورند. انسان هرچه هدف های جهان نگرانه داشته باشد، دین است که با خط کشیدن میان مؤمنان و غیرمؤمنان و مرزبندی میان خودی ها و غریبه ها به او هویت می دهد.

مسلمانان از سراسر جهان در کنگره عظیم حج شرکت می کنند. از ملیت های مختلف و فراتر از همه مرزهای اعتباری، در کنار یکدیگر جمع می شوند و بدون توجه به تمایزات و تفاوت های فردی، اجتماعی، ملیتی و فرهنگی، اعمال مشترک و واحدی را انجام می دهند؛ اعمالی که از یک تمدن ریشه دار، الهی و معنادار سرچشمه گرفته است و برای همه حج گزاران ضرورت یکسانی دارد. در چنین مراسمی است که این اعمال به همراه آگاهی از اسرار و رموز آن، افراد را به هویت دینی و ریشه های شکل گیری مناسک حج رهنمون می شود؛ رفتارهایی که به فردی خاص یا ملیتی ویژه اختصاص ندارند. در این فضا افراد به همان داریستی دست می یابند که می تواند تکیه گاه معرفتی آنها باشد و با تمسک به آن، خود را

۱. «آیا وقتی که پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف خواندی قصد کردی ابراهیم گونه نماز بخوانی؟»

در برابر دیگر تمدن‌ها محافظت کنند.

بنابراین، حج به عنوان مهم‌ترین مناسک دینی در اسلام است که با آن می‌توان مسلمانان را سالیانه در یک اجتماع عظیم مذهبی گرد هم آورد و همگان را با دستور و نظام هماهنگ و شعار واحد به اجرای مراحل مختلف مناسک هدایت کرد و ارتباط معنوی با خدا و مردم را در عالی‌ترین و زیباترین صورت نشان داد. مناسک حج، مناسکی خانوادگی نیست. مناسک خویشاوندی همچون صلۀ رحم، ازدواج و عیادت بیماران نیست؛ مناسک محلی همچون نماز جماعت نیست. مناسک حج مناسک ملی که در پهنه یک کشور و ملیت خاص به اجرا گذاشته می‌شود نیست، بلکه مناسکی معنوی و جهانی است. ملل و نحل موجود در جهان فقط توانسته‌اند مناسک ملی و نژادی داشته باشند و در نهایت در قرن اخیر که به پدیده جهانی شدن می‌اندیشند، جز در چهارچوب روابط مادی و سیاسی، تصویری از جهانی شدن را درک نمی‌کنند.

مناسک حج، مناسکی معنوی و جهانی است که توجه به باطن اعمال آن مسلمانان را متوجه هویت دینی و فرهنگی خود می‌کند. در حقیقت حج نمونه کوچکی است و واحد اسلامی است که به صورت منطقی تشکیل می‌شود و هویت واحد امت اسلامی را عملاً به نمایش می‌گذارد. مسلمانان در هر گوشه‌ای از جهان که باشند، با یکدیگر پیوند و اخوت دارند؛ اما در حد حرف و شعار. آنچه آن‌ها را عملاً به یکدیگر پیوند می‌دهد و به آنان هویت واحدی القا می‌کند، حج و حضور در صحنه‌های مختلف آن است. حج گزار پس از آن که در صحنه حج حضور می‌یابد، خود را عضو مجموعه بزرگ‌تری به نام امت اسلامی قلمداد می‌کند. این تأثیر و کارکرد حج در تقویت هویت دینی و فرهنگی را به خوبی می‌توان در تاریخ جوامع اسلامی دید.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَأَمْرُهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَمَصْلِحَتِهِمْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَجَعَلَ فِيهِ الْأَجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا»^۱ (حر عاملی، تحقیق: عبدالرحیم ربانی، ص ۱۴).

۱. «خداوند در حج وسیله اجتماع مردم مشرق و مغرب را فراهم آورده است تا همدیگر را بشناسند.»

از آنجا که محور و مبنای زندگی اجتماعی، برقراری ارتباط با دیگران است و هویت اجتماعی چنین امکانی را فراهم می‌کند و به عبارت دیگر، بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای وجود ندارد، بر همین اساس لازم است عوامل و مسائل تاثیرگذار بر هویت اجتماعی و فرهنگی شناخته شوند که چه عواملی باعث ضعف هویت فرهنگی می‌شوند و چه مسائلی باعث تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. یکی از عوامل مهم که باعث تقویت هویت فرهنگی می‌شود، شناخت محاسن و امتیازات فرهنگ خودی و مقایسه آن با فرهنگ‌های دیگر است؛ در این صورت انسان قادران فرهنگ خودش می‌شود و در جهت نشر و گسترش آن سعی و تلاش می‌کند.

عناصر ارزش هویت فرهنگی مسلمانان

بسیاری از نظریه پردازان دیپلماسی فرهنگی را نمونه بارز و اعلاای اعمال قدرت نرم می‌دانند که به کشورها امکان و توان نفوذ در طرف مقابل از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها را می‌دهد. جوزف نای نظریه پرداز معاصر روابط بین‌الملل، قدرت نرم را در تعارض با قدرت سخت؛ یعنی تسخیر کردن از طریق نیروی نظامی می‌داند. به عقیده جوزف نای، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی پدید آید: فرهنگ آن کشور، ارزشهای سیاسی و سیاست خارجی. این نظریه پرداز معتقد است که وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود و بنیاد و سیاست‌های آن را علائق و ارزش‌های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه اندک و مبتنی بر قدرت نرم تحصیل شود افزایش می‌یابد. افزایش این احتمال به خاطر رابطه‌ای است که چنین فرهنگی بین جاذبه‌ها و وظایف ایجاد می‌کند. ارزش‌های محدود و فرهنگ‌های ناحیه‌ای، کمتر می‌توانند قدرت نرم ایجاد کنند (جوزف نای، ۱۳۸۹، ج ۷، صص ۵۱ و ۵۲).

بر همین اساس و با توجه به تعریف هویت فرهنگی، افراد وابسته به هر فرهنگی باید به درستی فرهنگ خود را شناخته، درک کرده و وجوه امتیاز آن را نسبت به سایر فرهنگ‌ها بدانند و در پرورش و اشاعه فرهنگ خود تلاش نمایند. شکی نیست که هویت مسلمانان وابسته به دین اسلام می‌باشد به طوری که دستورات اسلام در گفتار و کردار و پندار

مسلمانان تأثیر مستقیم می‌گذارد و در همه جوانب و ابعاد مختلف زندگی آن‌ها تأثیرگذار است و با عمل کردن و تقید به دستورات و قوانین اسلام است که برای مسلمانان فرهنگ و هویت اسلامی شکل می‌گیرد و این فرهنگ و هویت اسلامی دارای مجموعه‌ای از عناصر ارزشی است که شناختن آن عناصر برای هر مسلمانی لازم و ضروری است و در نتیجه، شناخت صحیح این عناصر، هویت فرهنگی و اسلامی تقویت می‌شود و به همین جهت ابتدا به صورت مختصر اشاره‌ای به عناصر ارزشی هویت فرهنگی اسلامی خواهد شد و بعد از آن به کارکرد حج در تقویت عناصر ارزشی هویت فرهنگی مسلمانان می‌پردازیم.

تمام اصالت و هویت فرهنگی مسلمانان وابسته به دین اسلام است و اسلام هم مجموعه‌ای از دستورات و قوانین است که برای سعادت بشر آمده است. این قوانین و مقررات که در افکار و رفتار مسلمانان مورد عمل قرار می‌گیرد، بر اصولی اعتقادی استوار است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۷). بنابراین، اسلام مجموعه‌ای از قوانین و مقررات الهی است که به منظور سعادت بشر برای انسانها وضع شده است و مسلمان هم به کسی گفته می‌شود که در برابر دستورات خدا خاضع و خاشع باشد و از آیین و کیش پیامبر اسلام پیروی کند؛ چرا که این آیین مردم را به گردن نهادن و خضوع در برابر خداوند عالم فرا می‌خواند و به سعادت در دنیا و آخرت رهنمون می‌گردد. از این رو در اینجا به برخی از عناصر مشترک هویت بخشی که معرف هویت فرهنگی مسلمانان است اشاره می‌شود:

۱. خدای واحد (توحید) ۲. پیامبر واحد (نبوت) ۳. کتاب واحد (قرآن) ۴. قبله واحد (کعبه).

۱. توحید

حج، از جمله عباداتی است که توحید در آن به معنای واقعی کلمه تجسم یافته و از آغاز تا انجامش نمونه‌ای از توحید و طرد شرک است. توحید عقیده به مبدأ واحدی برای جهان هستی است. توحید اصطلاحی است که تنها درباره خدای متعال به کار می‌رود. مبدأ و آغازی که وجود ازلی و ابدی داشته و دوگانگی و ترکیب در ذاتش نیست. هیچ نوع وابستگی و احتیاج درباره او تصور نمی‌شود. ذاتی که واجد تمامی کمالات است. مبدهی که همه کاره هستی و مدیر و مدبر آن است. توحید اعتقاد به خدای واحد در همه ابعاد است. هر عبادتی، خلوص در آن اعتبار شده و مدنظر قرار می‌گیرد: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾ (زمر: ۳)

اما تجلی این خلوص در برخی از این عبادات نمایان تر و طرد شرک در آن قوی تر و آشکارتر است، که حج نمونه بارز آن است و از همین رو ترک حج کفر قلمداد شده است:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۱
(آل عمران: ۹۷).

پس حج، ایمان و توحید است و ترک آن کفر عملی. معنای تجلی توحید در حج این است که توحید چون در درجات خود تنزل کند و در چشم اندازه‌های مظاهر خویش جلوه گر شود، به حج مبدل می‌گردد. اگر حج به سوی خدای سبحان صعود کند، در معارج راه ترقی را طی کند، به خداوند سبحان می‌رسد یا به توحید مبدل می‌شود؛ یعنی تبدیل به عقیده‌ای می‌شود که چیزی آن را آلوده نمی‌کند و یقین می‌شود که شک و گمان بر آن دست نمی‌ساید؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... حَتَّى يَلْصَقَ بِالْعَرْشِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ»؛ «به عرش می‌پیوست؛ به گونه‌ای که

میان او و خدا حجابی نمی‌بود.» (حر عاملی، تحقیق: عبدالرحیم ربانی، ج ۹، ص ۴۲۲، ح ۱۷۹۰۵).

نتیجه اینکه: حج توحید ممثل است و توحید همان فطرتی است که خداوند انسان‌ها را برای آن سرشته است و دگرگونی برای آن نیست (جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۷، ص ۷۹).

گرچه هر عبادتی تبری از شرک و انزجار از طاغوت است، لیکن چون حج عبادت ویژه‌ای است با سیاست آمیخته است و حضور اقشار گوناگون مردم جهان موقعیت مناسبی است تا روح این عبادت همانند دیگر عبادات الهی در آن انبوه چشمگیر به خوبی تجلی کند و عصاره این پرستش خاص در صحنه، ظهور تمام نماید، از این رو، به فرمان وحی الهی، پیامبر گرانقدر اسلام صلی الله علیه و آله سخنگوی حکومت اسلامی، حضرت علی علیه السلام را مأمور اعلان تبری از مشرکان کرد تا به طور قاطع مرز توحید از طغیان و شرک جدا شود و صفوف منسجم مسلمانان از صف کفار ممتاز گردد و از این رهگذر، چهره سیاسی - عبادی حج جلوه کرده و زائران کعبه با استماع قطعنامه حکومت اسلامی که دستور انزجار از شرک و سازش ناپذیری در برابر مشرکان است ره توشه توحید را به همراه خود ببرند.

۱. «و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.»

از این رو، همانطور که همه مسلمانان در بسیاری از شؤون زندگی به سمت کعبه متوجه می‌شوند، از برکت کعبه نیز فرمان توحیدی به اقطار گوناگون عالم منتشر خواهد شد.

﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ﴾ (توبه: ۳).^۱

انسان‌های معتقد و متعبد، همواره با تعقیب هدف به مقصد نهایی خود نایل می‌شوند. خدای سبحان که انسان را برای کمال عبادی آفرید و همه جوامع انسانی را به یک سمت و یک هدف فرا خواند و کعبه را با ویژگی‌ها و مزایای فراوان آن بنیان گذارد، برای هدفی بود برتر و مقصودی والاتر از آن چه در اذهان ساده اندیشان خطور می‌کند و چون هیچ کمالی بالاتر از نیل به توحید ناب نیست و وصل به آن بدون نزهت از هر گونه شرک میسر نخواهد بود، از این رو کعبه را که خانه توحید و مرکز گردهمایی مسلمانان سراسر عالم است، محور تبری از هر تباهی دانست و مقدمات مناسب آن را چنین تهیه فرمود:

اولاً: بعد از اتمام بنای بیت طاهر و عتیق و بعد از تأمین حرم و تشریح امنیت برای میهمانان و زائران و راکعان و ساجدان و عاکفان، به پیامبر خویش دستور داد:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج: ۲۷).^۲

و هدف از این اعلان عمومی ابراهیم علیه السلام، فراخوانی کسانی بود که توان حضور را به طور متعارف دارند.

ثانیاً: وقتی همگان از باختر و خاور، از شمال و جنوب و از دور و نزدیک آمدند و در گردهمایی سراسری شرکت کردند تا شاهد منافع مادی و معنوی خود باشند، آنگاه نوبت به اذن و اعلان محمدی فرا می‌رسد، از این رو فرمود:

﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

۱. «و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید، پس بدانید که شما خدا را در مانده نخواهید کرد.»
۲. «و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زائران] پیاده و [سواره] بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند.»

وَرَسُولُهُ^۱ (توبه: ۳).

بنابراین، هدف نهایی اعلان پیشین، ساختن کعبه یا همه مزایای الهی آن نبود، بلکه زمینه برای اعلان دوم که هدف نهایی کعبه است، خواهد بود و آن اذان که به وسیله خاتم پیامبران از طرف خدای سبحان صورت می‌پذیرد تبری خدا و رسول او از هر مشرک و ملحد است و برای آنکه آن اعلان جهانی باشد و به سمع مردم سراسر گیتی برسد فرمود: در روز حج اکبر؛ یعنی زمانی که همه زائران حضور دارند انجام شود. هدف نهایی ساختن بیت الله، رسیدن به توحید است و نیل به توحید ناب بدون تبری تام از هر شرک و الحاد و انزجار از هر مشرک و ملحد میسر نیست. از این رو اعلام این هدف نهایی به صورت اعلان تبری خدا و رسول ﷺ از مشرکان متبلور شده است و تا انسان در درون زمین زندگی می‌کند، وظیفه حج و زیارت برعهده اوست و تا مشرک در جهان هست اعلام تبری از او نیز جزو مهم‌ترین وظایف حج به شمار می‌رود (جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴).

۱ / ۱ - توحید و هویت فرهنگی اسلامی

از مجموعه مطالبی که درباره فرهنگ و هویت گذشت، می‌شود به این نکته رسید که بین فرهنگ و هویت، ارتباطی وثیق و تنگاتنگ وجود دارد؛ به گونه‌ای که چیستی انسان و وجه تمایز واقعی انسان از موجودات دیگر و نیز بارزترین و شاخص‌ترین وجه تمایز انسان‌ها از همدیگر، فرهنگ آن‌هاست؛ بدین معنی که اولین چیزی که انسان در منظومه جهانی خود می‌تواند و بایستی خود را با آن معرفی نماید و قبل از هر چیزی به داشتن آن افتخار نماید، وجه و عنصر فرهنگ و ارزش‌ها و نگرش‌های وی است، اما همه این موارد در صورتی صحیح است که فرد یا جامعه تحت سلطه دیگران نباشد و به اصطلاح برده و بنده دیگران نباشد و از نعمت آزادی و آزادگی برخوردار باشد.

یکی از ثمرات عنصر هویتی توحید، این است که انسان در پرتو توحید خدا، افزون بر رسیدن به نیازهای خود از کرامت و حریت نیز که بزرگترین موهبت‌های الهی است

۱. «و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبر در برابر مشرکان تعهدی ندارند.»

برخوردار می‌شود و به وارستگی بار می‌یابد. در توحید، هیچ عاملی سبب نمی‌شود که موحد به بردگی و بندگی غیر خدا سوق پیدا کند. بندگی خدا حریت و آزادگی بنده از ماسوی الله را در پی دارد؛ زیرا چنین موحدی بنده‌خدایی است که همه‌جا حاضر و ناظر است و انسان موحد، همه‌شؤون خود را به او واگذار کرده است. از این رو، می‌اندیشد آن‌گونه که خدای سبحان خواسته، نه آن چه هوای نفس فرمان می‌دهد؛ رفتار کند، آن‌طور که عقل درون و بیرون فرمان داده‌اند، نه آنچه هوس می‌خواهد. در این صورت از خود آزاد و از هر تعلق، بلکه تعیین منزله و وارسته است.

غرض آن که توحید ناب ره توشه‌ فراوانی در اندیشه و انگیزه موحد دارد که برخی از آنها فردی و بعضی جمعی است، برخی از آنها حقوقی و سیاسی و برخی اعتقادی و اخلاقی است. حریت توحیدی هم رژیم ارباب و رعیتی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... را باطل می‌کند و هم رژیم ربوبیت هوا و رقیت عقل، فرمانروایی هوس و فرمانبرداری علم را ابطال می‌کند و کنار می‌زند تا علم و عقل از یک سو، عقیده و خلق حسن از سوی دیگر زمام امور فرد و جامعه را رهبری و امامت کند.

مشرك مانند فردی است که نوکر چند ارباب ناسازگار باشد، طبعاً هریک او را به کاری می‌گمارند ولی موحد مانند کسی است که تحت اراده یک مولای حکیم عادل قرار گیرد. توجه به خدای یگانه و پذیرش عبودیت او وارستگی می‌آورد و توجه به ما سوی الله، اسارت و خواری، تا جایی که ممکن است انسان در بند عنصری پست و حقیر قرار گیرد و بندگی هوای نفس را بپذیرد:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۱ (جاثیه: ۲۳).

خوف و طمع انبیا فقط از خدا بود و خود را به مصدر قدرت مطلق وابسته می‌دانستند؛ از این رو، انگیزه‌ای برای تسلیم و قصور آنان در برابر دیگران وجود نداشت و شجاعانه به

۱. «آیا شگفت نداری از کسی که هوس خویش را معبود خود قرار می‌دهد و از آن پیروی می‌کند و خداوند او را در حالت علم و آگاهی که دارد گمراه نمود و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیده‌اش پرده کشید، پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد و آیا پند نمی‌گیرد؟»

طرح آرای خویش می‌پرداختند و هرگز مقهور قدرت‌های دیگر نمی‌شدند. پس خویش را از هر قیدی رها ساخته بودند و در خوف و رجا موحد بودند. شاگردان انبیا نیز از چنین امتیازی برخوردار هستند؛ یعنی هم در بعد سیاست، از هر استعمار و استعبادی آزاد زیستند و هم در عقاید و اخلاق، از هر شرک، الحاد، نفاق و کفری منزه و مبرا بودند.

۲ / ۱ - کارکرد توحید در دیپلماسی فرهنگی حج

در تعریف دیپلماسی فرهنگی گفته‌اند: دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها، به منظور تقویت تفاهم متقابل» (رضا صالحی امیری و سعید محمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹). بنابراین، می‌توان دیپلماسی فرهنگی را به عبارتی خلاصه‌تر به ابزاری برای تأمین منافع و مصالح ملی - دینی یک ملت یا فرهنگ تفسیر کرد. این نکته را نیز باید توجه داشت که فضای بین‌المللی امروز جهان که به شدت از خشونت و نبردهای نظامی خسته شده است، بیش از هر چیز پذیرای مؤلفه‌ها و رویکردهای دیپلماسی فرهنگی است؛ دیپلماسی فرهنگی جهان اسلام از آنجا دارای قدرت و اهمیت است که زیربنای آن دین مبین اسلام و آموزه‌های پرمحتوای آن است که همین دستورات الهی در دین اسلام ظرفیت عظیمی را برای تأمین اهداف و خواسته‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی مسلمانان فراهم می‌سازد.

برای رسیدن به این ظرفیت عظیم، شناخت حقیقی عناصر ارزشی اسلام و اشاعه آنها بر مسلمانان ضروری است. مهم‌ترین عنصر ارزشی و ریشه همه فضایل و ره‌آوردهای مثبت علمی و عملی توحید است؛ چنان‌که منشأ همه تباهی‌ها و فسادها شرک و الحاد است. میوه درخت توحید چیزی جز خیر نیست و ثمره شرک چیزی جز شر نمی‌باشد. در دل موحد که جای اعتقاد به خداست، بذر فضایل، عقاید، رفتارهای پاک و خوبیها رشد می‌کند و همانگونه که فضایل از بالا و رو به بالاست، موحد از بالا و در مسیر صعود به بالاست لیکن در سرزمین آتشین دل ملحد و مشرک هیچ بذری جز تلخی و زشتی و شرارت به بار نخواهد نشست.

با توحید است که عقاید و اخلاق و رفتار جامعه انسانی سامان می‌یابد و بر بنیان محکم ایمان به مبدأ و معاد استوار می‌گردد و بدون این اصل، هیچ بنایی استوار نخواهد شد. موحد در پرتو

توحید ربوبی از ارباب متفرق‌رهای می‌یابد، با توحید واجب و اسمای حسناى او از کرامت انسانی برخوردار می‌شود؛ مثلاً با توحید قدرت، از تکبر و غرور و عجب به تواضع و فروتنی، و از ناامیدی به امید بار می‌یابد. انسان با توحید عبادی به حریت و آزادگی می‌رسد و از بند بندگی دیگران رهایی می‌یابد و با توحید از تملق اغیار و حقیر شدن نزد دیگران آزاد می‌گردد و همین‌طور در سایر بخش‌های توحید. روشن است که بدون توحید، انسان از شناخت واقعی خود و جهان محروم است. وقتی خویشتن را شناخت نمی‌داند با خود چه کند و آنگاه که جهان را شناخت با چگونگی برخورد خود با جهان و جهانیان آشنا نیست؛ زیرا چنین انسانی، خدایی را که همه‌اشیاء را آفریده و بر همه چیز احاطه دارد، نشناخته است و چون خدا بر همه چیز احاطه دارد، بدون شناخت او هرگز نمی‌تواند به حقیقت چیزی پی‌برد؛ زیرا کسی که روشن‌کننده حقیقت در دل انسان نبیند، درون خود را نخواهد دید و قهراً خود را نمی‌تواند بشناسد و چون حقیقتی را که به جهان نور می‌بخشد ندید، جهان را هم نخواهد دید.

متفکر طالب یقین، هم می‌تواند جهان را خوب بشناسد و هم خود را و اگر خود را آن‌طور که باید در پرتو خورشید شناخت، هرگز با خود جاهلانه رفتار نمی‌کند. خود مجازی را به جای خود واقعی نمی‌پندارد و خویشتن را جز فقر و وابستگی به مبدأ قوی نمی‌بیند. از این رو، فرومایگی و تکبر را به سرافرازی و فروتنی تبدیل می‌کند ولی اگر حقیقت خود را نشناخت داعیه تکبر و غرور خواهد داشت. لذا چون حج خانه توحید است، مسلمانانی که از سراسر عالم در این مکان اجتماع می‌کنند، می‌توانند با ایجاد و تقویت روحیه توحیدی و گسترش روابط و تعاملات و همچنین انسجام سیاسی - اجتماعی، مانع از انزوای اسلام و مسلمانان در عرصه‌های بین‌المللی شوند و باعث اقتدار و امنیت و تقویت هویت فرهنگی اسلامی شوند و در سایه نظام توحیدی حج به صلح و امنیت دسترسی پیدا کنند؛ چرا که نیاز به صلح و امنیت، از جمله مهمترین نیازمندیهای زندگی اجتماعی است و به همان اندازه که انسانها به خوراک و پوشاک و مسکن و مانند اینها نیاز دارند تا بتوانند زندگی راحتی داشته باشند، به همان اندازه به مقوله صلح و امنیت نیازمند هستند؛ چرا که در صورت وجود همه وسایل رفاهی بدون امنیت، زندگی فاقد آسایش و راحتی است و لذا در همین راستا توجه به این نکته مهم است که بدانیم یکی از ثمرات مهم توحید در بُعد

روانی جامعه بشری ظهور پیدا می‌کند؛ توضیح این مطلب این است که موحد در پرتو توحید وارد قلعه امن می‌شود و این امان به او اطمینان و آرامش می‌دهد و هیچ حادثه‌ای او را نگران و مضطرب نمی‌کند. به این ره آورد در آیات متعدد اشاره شده است؛ از جمله:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾ (دخان: ۵۱).

در این دژ امن که در آخرت به صورت بهشت ظهور می‌کند، هیچ عذاب ظاهری و باطنی و جسمی و روحی، موحد را تهدید نمی‌کند. البته چنین امنیتی ثمره توحید واقعی است، از این رو، در آیه دیگر قرآن، حدود تقوایی که ره آورد آن امنیت کامل است، شفاف‌تر بیان شده است؛

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام: ۸۲).

توحید و ایمان به خدا با اطمینان دل ملازم‌اند؛ یعنی وقتی انسان موحد واقعی است که با یاد خدا به آرامش راه یابد. پس اثر توحید اطمینان و آرامش دل است. انسان همتی جز تحصیل سعادت و خوفی جز ترس از شقاوت و نقیمت ندارد و زمام سعادت و خیر به دست خداست و ایمان به خداوند، انسان را به ایمنی می‌رساند. لذا وقتی مسلمانان در ایام حج، در این سرزمین اجتماع می‌کنند، ولو برای چند روزی از دنیا و مظاهر آن جدا شده و روبه سوی خدای واحد آورده‌اند و در این شرایط و حالات می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از مشکلات یکدیگر آگاه شوند و برای پیدا کردن راه حل مناسب و خروج از مشکلات مشترک با یکدیگر همفکری کنند، که همه اینها به برکت حج و آن اجتماع میلیونی است که این عبادت برای مسلمین فراهم می‌آورد.

۱/۳ - شرک مهم‌ترین عامل ضعف هویت فرهنگی

همانطور که اشاره شد مهم‌ترین اصل هویتی مشترک مسلمانان، توحید است. وقتی مسلمانان در ایام حج، یکرنگ و یک صدا پیرامون خانه توحید طواف می‌کنند و فریاد «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» سر می‌دهند. در حقیقت بر این اصل مشترک هویتی خود؛ یعنی توحید تأکید می‌کنند و با وجود سلیقه‌ها و ملیت و قومیت و نژادهای متفاوت نشان می‌دهند که همگی موحد هستیم و دور خانه‌ای واحد می‌گردیم و از سراسر عالم همگی متوجه این خانه هستیم. در نقطه مقابل توحید، شرک قرار دارد که از مهم‌ترین عوامل ضعف هویت

فرهنگ اسلامی است. شرک بزرگترین گناه و مجمع تمام پلیدی‌ها و رذایل است و باعث از دست دادن مقام انسانی و تنزل به مرتبه‌ای پایین‌تر از حیوانی است. شرک می‌تواند قلوب انسانها را از هم دور کند و مانع برقراری ارتباط صحیح و انسانی بین انسانها می‌شود و لذا برائت از شرک و مشرکین برای رسیدن به توحید ناب و خالص ضروری است که برای این مهم، انجام عبادات نقش بزرگی در تثبیت توحید و نفی شرک ایفا می‌کند که از میان عبادات با توجه به موضوع بحث، نقش تأثیر حج در نفی شرک بیان می‌شود.

نیل به توحید ناب جز با شناخت شرک و طرد اقسام جلی و خفی آن ممکن نیست. شرک ریشه همه انحرافات و بدترین ظلم به توحید است؛ ﴿إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳). مشرکان اولین و بزرگترین ممانع بسط توحید و رشد معارف آسمانی هستند. این جماعت به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) صاحبان زر و زور که با تهدید و تطمیع و فریب، توده‌های مردم را در مقابل پیام توحید الهی قرار داده و بر ضد آنان برمی‌انگیزند. در قرآن کریم از فرعون و هامان و قارون به عنوان نمادهای این گروه یاد شده است.

ب) توده‌های جاهل و غافل؛ یعنی خیل عظیم انسان‌هایی که اسیر محیط جاهلی سران شرک شده و با تقلید کورکورانه از سنت‌های گذشتگان و اطاعت بی‌چون و چرا از بزرگان قوم، بدون هیچ منطقی، متعصبانه اسیر خرافات گذشته‌اند. پیروی از هوا و هوس، برای رسیدن به منافع خیالی، آنها را به آرامش کاذب و سرور دروغین کشانده است، و چون پیام توحید برهم زننده این رسوبات فکری و منافع خیالی آنهاست، به شدت در مقابل آن می‌ایستند. اوج این تعصب جاهلی در محیط بعثت پیامبر عزیز اسلام ﷺ بود، که آن حضرت در مبارزه فکری و عملی با آنان متحمل بیشترین اذیت و آزار شدند؛ «مَا أُذِيَّ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُذِيَّتُ» (مجلسی، ۱۴۵۷ق.، ج ۳۹، ص ۵۶).

متأسفانه علی‌رغم تلاش همه انبیا و کوشش خستگی‌ناپذیر خاتم آنان، شرک ریشه کن نشده و هنوز در بسیاری از نقاط عالم، مردم از جهت علوم عقلی و معارف توحیدی عقب مانده‌اند و اعتقاد به امور خرافی و بت پرستی استمرار دارد.

بنابراین، هنوز لازم است با پایه‌های فکری و مایه‌های عملی شرک و بت پرستی مبارزه شود

و پایه‌های فکری و عقیدتی توحید بیان گردد و به ملت‌ها گفته شود؛ انسان باید جایی تکیه کند و در برابر کسی سرفرود آورد که هستی او عین ذات او بوده و عالم و آدم مظهر فعل اوست و آن موجود غیبی در حد مطلق و نامحدود مستجمع جمیع کمالات است و انسان والاتر از آن است که در برابر غیر او کرنش کند و جز او را پرستد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۵۵۹).

در نتیجه، شرک می‌تواند مسلمانان را از هویت اصیل اسلامی دور کند و این دوری از هویت و فرهنگ اصیل اسلامی می‌تواند به مشاجره و منازعه درونی و خود باختگی بیرونی منجر شود. لذا آیین تبری و بیزاری از شرک و مشرکین در ایام حج، در تقویت هویت فرهنگی اسلامی مسلمانان اثرگذار است.

۴ / ۱- براءت از شرک و مشرکان در حج و هویت اسلامی

براءت از مشرکین در حج، یکی از اعمال سیاسی حج است، که تلاش دارد مسلمانان را متوجه کفر و کافران و شرک و مشرکان کند و علاوه بر این عاملی وحدت بخش برای مسلمین در مقابل مشرکین است و همچنین هویت اسلامی را نیز در مقابل دشمنان تقویت نموده، از این طریق، کارکرد انسجام بخشی خود را نیز تثبیت می‌کند.

با توجه به اهمیت براءت از مشرکین در حج و تأکیدات بزرگان در این زمینه، شایسته است به گوشه‌ای از کارکردهای براءت و آثار و برکات آن برای مسلمانان و جهان اسلام اشاره شود. یکی از کارکردهای براءت از مشرکان، ایجاد انسجام و یکپارچگی در میان مسلمانان است. این عمل موجب می‌شود که در پرتو آن، اختلافات درونی در سایه و حاشیه قرار گیرد و همه انرژی‌ها بر ضد دشمن متمرکز شود. همچنین می‌تواند باعث هویت بخشیدن به جمع درونی و تقویت انسجام و همراهی داخلی شود و در عین حال، انگیزه‌ای برای تلاش و احساس در راه بودن است که سبب تعالی و پویایی هر فرهنگ و تمدن نیز می‌باشد.

بنابراین، می‌توان گفت براءت از مشرکان، جهان اسلام را که مجموعه‌ای با سابقه تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی و هویتی مشترک است، به یک مجموعه امنیتی تبدیل می‌کند تا با تلقی دشمن مشترک از کفر و کافران، نیروها و امکانات خود را برای مقابله با دشمن و حفظ وجود و کیانش به کار گیرد.

محیط و فضای موجود در حج، آکنده از معنویات است و در چنین محیط‌های معنوی

معمولاً تمرکز زوار و افراد حاضر در این اماکن مقدس بر انجام مناسک دینی می‌باشد و خود همین تمرکز و توجه بر مناسک دینی با اصول مشترک هویتی، اصول دینی یکسان و یکپارچه‌ای را در ذهن مسلمانان تقویت می‌کند و بر اساس روحیه ایمانی، در ضمن مراسم براءت از مشرکان، کفر و کافران را دشمن مشترک خود تلقی می‌کنند. از این طریق هویت‌ها، یکسان می‌شود و باعث می‌شود که موضع‌گیری‌های مسلمانان در مسائل مختلف، یکدست‌تر و هماهنگ‌تر شود. لذا می‌توان یکی از مهم‌ترین کارکردهای حج را تقویت و گسترش تعاملات، روابط و اتحاد و انسجام سیاسی - اجتماعی امت اسلامی دانست که این امر می‌تواند مانع از انزوای اسلام در نظام بین‌الملل شود و اقتدار و موقعیت اسلام را ارتقا دهد و از این جهت امنیت و هویت مسلمانان را تأمین کند.

در نتیجه می‌توان این ادعا را مطرح کرد که مناسک حج، به ویژه بخش‌هایی مانند براءت از مشرکان تجلی‌گفتمان اسلام در حفظ موجودیت خود و مبارزه با هرگونه تهدید ارزشها و تهاجم فرهنگی است؛ به عبارت دیگر حج با توجه به ابعاد و جهات معنوی و تربیتی، بیانگر نظام ارزشی اسلام است و وقتی در قالب ابعاد سیاسی خود در براءت از مشرکان بروز می‌کند، علاوه بر اینکه سعی می‌کند مرزهای ارزشی و گفتمانی خود با غیر را مشخص و معین کند، همچنین پاسخ هرگونه تهدید امنیتی را که هویت و نظام ارزشی اسلام را هدف بگیرد، می‌دهد.^۱

در حقیقت مناسک حج به طور عام و براءت از مشرکان به صورت خاص فریب و افسون‌گری استعمار و دشمنان اسلام، در به غفلت کشیدن جوامع اسلامی و مسلمانان را مورد اعتراض قرار می‌دهد. نوعی اعتراض و انتقاد رفتاری در عرصه بین‌الملل و جهان اسلام به نظم جهانی و روابط قدرت در عرصه سیاست بین‌الملل، با هدف احقاق حق و جایگاه اصیل و رفیع فرهنگ اسلامی است. به همین خاطر، توجه به هویت مشترک مسلمانان و توجه به عناصر هویتی مشترک از شرایط لازم و تعیین‌کننده است و لذا یکی از دستورات شارع مقدس در مناسک حج، تلبیه است؛ تلبیه به عنوان یکی از واجبات احرام، اولاً شخص محرم را متوجه توحید الهی می‌کند و ثانياً او را از شرک و مشرکین دور می‌سازد.

۱. محسن محمدی، حج و تعالی جهان اسلام، pdf، ص ۳۹

دومین عنصر ارزشی برای هویت اسلامی نبوت است. همه مسلمانان معتقد به نبوت پیامبری هستند که خاتم پیامبران است و رسالتش جهانی است و به معنای واقعی انسان کامل است. انسان کاملی که به نحو مطلق خلیفه الله است و کامل تر از او در جهان کسی نیست. رسالت او چنان وسیع و گسترده است که نه در طول تاریخ بعد از او پیامبری خواهد آمد و نه در عرصه گیتی همزمان با نبوت او کسی به پیامبری می‌رسد. از این جهت او نه تنها از انبیای اولوالعزم به شمار می‌آید، بلکه خاتم همه پیامبران و پایان بخش اصلی نبوت و رسالت است و همه ادله‌ای که بر خاتمیت آن حضرت دلالت دارد؛ مانند آیه کریمه: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (احزاب: ۴۰) بر جهانی بودن آن حضرت دلالت خواهد داشت.

گذشته از این، آیات دیگری نیز ناظر به کلیت و دوام رسالت آن حضرت است؛ مانند: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیا: ۱۰۷).

و یا ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف: ۱۵۸).

در این آیات، رسالت پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای توده انسان‌ها در همه اعصار و بدون اختصاص به گروهی خاص، تبیین شده است. بنابراین، پیامبر می‌تواند الگو و اسوه همه انسان‌ها باشد چرا که انسان سالک الی الله همواره نیازمند اسوه و الگوست تا عقاید و اخلاق و رفتار خود را بر عقیده و خلق و کردار او منطبق کند و چون حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از لحاظ علمی و عملی سرآمد همه راهیان به سوی حق است، اسوه همگان قرار می‌گیرد و قلمرو اسوه بودن او همسان منطقه رسالت او، جهانی خواهد بود.

همه اوامر علمی و عملی آن حضرت؛ خواه در معراج و خواه غیر معراج و خواه به صورت وحی قرآنی و خواه به صورت الهام و حدیث قدسی، به عنوان تعلیم کتاب و حکمت و تأدیب به آداب الهی است.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در قبول آن مواهب غیبی، قابلیت تمام داشت و همه فیضهایی را که از مبدأ تام الفاعلیه تنزل یافت، دریافت کرد؛ ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ (اسراء: ۷۹) و لذا همه رهنمودهای آن حضرت براساس مصالح

و حکمت‌های الهی است که ضامن کمال همه انسان‌ها در همه ابعاد و جهات علمی و عملی خواهد بود، به همین جهت پیروان و معتقدان به رهبری حضرت رسول ﷺ هم باید در فهم و علم به گفته‌های آن حضرت اجتهاد کنند و هم در پاسداری از ره آورده‌های آن ذات مبارک جهاد کنند تا هم معارف و احکام آسمانی آن حضرت به خوبی معلوم گردد و عمل شود و هم از گزند بد اندیشان مصون بماند.

۲/۱ - کارکرد نبوت در دیپلماسی فرهنگی حج

مکان‌های مقدسی که در آن، مناسک حج انجام می‌شود، یا به نحوی با مناسک مرتبط است، یادآور تلاش و رنج‌هایی است که همه انبیا؛ به‌ویژه انبیای ابراهیمی و وجود مقدس نبی گرامی ﷺ و پیروان ایشان، در راه تحکیم نبوت خویش کشیده‌اند. از کوه صفا که یادآور حضرت آدم صفی الله است، تا تجدید بنای کعبه که توسط حضرت ابراهیم خلیل و اسماعیل علیهما السلام صورت گرفته؛ ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ و آماده سازی آن توسط این دو بزرگوار برای طواف کنندگان؛ ﴿أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ از حجر اسماعیل که خانه او و مدفن هاجر و بسیاری از انبیا است، تا مقام ابراهیم که آیه‌ای از آیات الهی و اثر دو پای مبارک فریادگر توحید، ابراهیم خلیل علیهما السلام است و مصلاهی نماز طواف؛ ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ و زمزم، که یادآور خاطره انقطاع الی الله هاجر و اثر فوری آن است و استجابت ادعیه ابراهیم خلیل علیهما السلام که موجب عطف دل‌ها و گسیل مردم به بیت‌العتیق و وفور نعمت و میوه در آن وادی غیر ذی زرع شده؛ ﴿فَجَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾ همه جا رد پای انبیای الهی و پیروان صدیق آنان و صوت دل‌انگیز مناجاتشان با حضرت رب العالمین و صدای شمشیرهایشان در دفاع از حریم نبوت، با چشم بصیرت مشاهده می‌شود که؛ ﴿وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾، پیامبرانی که سعی می‌کردند پیام خویش را از کنار کعبه به گوش جهانیان برسانند.

به همین خاطر همه مسلمانان براساس اعتقاد مشترک به پیامبر واحد، خود را موظف می‌دانند در کنار زیارت خانه توحید به زیارت مرقد مطهر رسول الله ﷺ روند و نسبت به

ساحت مقدس آن حضرت عرض ادب کنند. حضور مسلمانانی از قومیت و ملیت و نژادهای متفاوت در کنار آن حرم شریف می‌تواند این مطلب را به مسلمانان یادآور شود که همه مسلمانان پیرو آیین و دستورات یک رهبر الهی هستند و همگی تحت تعالیم عالییه یک پیامبر برنامه‌های زندگی خود را تنظیم می‌کنند که تفکر و تأمل در این نکته می‌تواند باعث نزدیکی دل‌های مسلمانان به همدیگر شود و انس و الفت را بین آنها بیشتر کند که این خود باعث ایجاد تفاهم و یکدلی در امت اسلام می‌شود.

درباره اهمیت شناخت پیامبر ﷺ و آیین و دستورات الهی ایشان در ایام حج، هشام بن حکم اینگونه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که از آن حضرت درباره فلسفه حج و طواف کعبه پرسیدم و حضرت در پاسخ فرمودند: «... و برای اینکه آثار پیامبر ﷺ و اخبار او شناخته و به خاطر آورده شود و فراموش نگردد.»^۱ این فقره از حدیث که بخشی از یک حدیث طولانی در باره فلسفه و اسرار حج است، با صراحت درباره اهمیت شناخت پیامبر ﷺ سخن به میان آورده است. همچنین در حدیث دیگر، امام صادق (ع) می‌فرماید: «و اوقات نماز را رعایت کن، سنن و دستورات پیامبر ﷺ را به کار گیر و آنچه را که وظیفه است از آداب و رسوم و صبر و تحمل و شکر و مهربانی و بخشش و ترجیح دیگران بر خود، در همه جا و در همه حال انجام ده.»^۲ (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۷۲). این دست روایات، مسلمانان را متوجه نبوت، به عنوان یک عنصر هویتی مشترک می‌کند و در اثر شناخت آثار و اخبار پیامبر ﷺ که چه زحماتی را برای نشر و گسترش اسلام و اتحاد و انسجام مسلمانان کشیدند، خود باعث نزدیکی دل‌های مسلمین و کاهش تنش‌ها می‌شود.

در ادامه حدیث امام صادق (ع) آمده است: «وَ اعْلَمَ بَانَ اللَّهِ لَمْ يَفْتَرِضِ الْحُجَّ وَ لَمْ يَخْصُهُ مِنْ جَمِيعِ الطَّاعَاتِ بِالْإِضَافَةِ إِلَى نَفْسِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ وَ لَا شَرَعَ نَبِيُّهُ ﷺ فِي خِلَالِ الْمُنَاسِكِ عَلَى تَرْتِيبِ مَا شَرَعَهُ إِلَّا لِلْإِسْتِعْدَادِ وَ الْإِشَارَةِ إِلَى الْمَوْتِ وَ الْقَبْرِ وَ الْبَعْثِ وَ الْقِيَامَةِ وَ فَضْلِ بَيَانِ السَّبْقِ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ أَهْلِهَا وَ دُخُولِ النَّارِ أَهْلِهَا بِمُشَاهَدَةِ مَنَاسِكِ الْحُجِّ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا لِأُولِي الْأَبْطَابِ وَ أُولِي النَّهْيِ» (همان).

۱. «... وَ لَتُعْرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تُعْرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يَذْكَرَ وَ لَا يَنْسَى».

۲. «وَ رَاعِ أَوْقَاتَ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ سُنَنِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْأَدَبِ وَ الْإِحْتِمَالِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الشَّفَقَةِ وَ السَّخَاوَةِ وَ إِثَارِ الزَّادِ عَلَى دَوَامِ الْأَوْقَاتِ».

و بدان سر اینکه خداوند حج را واجب نموده و آن را در میان تمام طاعات به خودش نسبت داده و فرموده است: «و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد...»^۱ (آل عمران: ۹۷) و همچنین نبی گرامی ﷺ ترتیب مناسک را به این صورت که هست تنظیم کرد و... اینها همه، اشاره‌ای است به مرگ و قبر و بعث و قیامت، و صاحب‌دلان و خردمندان از مشاهده این مناسک، از اول تا به آخر، متذکر عوالم بعد از مرگ؛ از بهشت و جهنم بشوند و آمادگی برای ارتحال به آن عالم را به دست آورند.

۳ - کتاب واحد

سومین عنصر ارزشی در هویت مسلمانان، داشتن کتاب واحد (قرآن) است. این کتاب توسط فرشته وحی از جانب خداوند سبحان بر قلب مطهر انسانی کامل نازل شده است که رسالتی جهانی دارد.

انسان کامل که سمت رسالت الهی را دارد و حامل پیام خداست، اگر مظهر اسم اعظم بوده، کاملترین انسان‌ها باشد، کتابی را دریافت می‌کند که کاملترین کتاب‌هاست و پهنه زمین و وسعت زمان و گستره تاریخ را در بر می‌گیرد. از همین رو، خدای سبحان قرآن را برای هدایت همگان بر قلب مطهر رسول الله ﷺ نازل کرد: «ما این کتاب را برای [رهبری] مردم به حق بر تو فرو فرستادیم.»^۲ (زمر: ۴۱) در این آیه، قرآن کتاب هدایت توده انسان‌ها - بدون اختصاص به عصر یا نسل خاص - معرفی شده است.

همچنین آیات تحدی، نشانه جهانی بودن قرآن است؛ زیرا اگر کتابی برای هدایت گروه خاصی یا عصر خاصی نازل شده باشد زبان تحدی و دعوی دعوت آن در همان محدوده نزول کتاب آسمانی خلاصه می‌شود و حال آن که قرآن همه جن و انس را به مبارزه می‌طلبد: «بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.»^۳ (اسراء: ۸۸).

۱. ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾.

۲. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ﴾.

۳. ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ، عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾.

۱/۳- کارکرد کتاب واحد در دیپلماسی فرهنگی حج

یکی از فرصتهای استثنایی زمانی و مکانی، فرصتی است که زائران خانه خدا در مکه و مدینه به سر می‌برند. مدینه شهری است که بیشترین معصوم را در خود جای داده است و صدها آیه قرآن و هزاران حدیث از آنجا منتشر شده است و مکه بهترین نقطه زمین و مکان نزول جبرئیل و عروج پیامبر ﷺ و قربانگاه اسماعیل و محل هجرت ابراهیم و شکنجه گاه مسلمین صدر اسلام است. بنابراین، مناسب است که همراه با آشنا نمودن زائران با احکام و آداب حج به تفسیر و تدبر آیاتی که لااقل وظیفه زائران در آن مطرح است نیز پرداخته شود و در همین راستا می‌توان آیات فراوانی را مورد توجه قرار داد که به جایگاه و عظمت این مکان مقدس اشاره دارد.

قرآن مجید در آیات متعددی، پیرامون قداست و اهمیت کعبه سخن گفته است که به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

- (۱) نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) بنا نهاده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.»^۱ (آل عمران: ۹۶).
- (۲) «خداوند کعبه - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛ و همچنین ماه حرام، و قربانی‌های بی‌نشان، و قربانی‌های نشاندار را؛ این گونه احکام به خاطر آن است که بدانید خداوند آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است را می‌داند؛ و بدانید خدا بر هر چیزی داناست.»^۲ (مائده: ۹۷).
- (۳) «و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند؛ (و می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر که تویی شنوا و دانا!»^۳ (بقره: ۱۲۷).

مسلمانان دیگر مذاهب، وقتی در مقام بحث و مناظره با یکدیگر قرار می‌گیرند، اگر به این نکته توجه کنند که استدلال‌های همه آنها در نهایت ریشه در یک کتاب آسمانی دارد و این کتابی که نظیر و مانندی ندارد، کتاب مشترک و مورد قبول همه آنها است، احساس

۱. ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾.

۲. ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالهُدًى وَالقَلَائِدَ ذَلِكَ لِيَتَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾.

۳. ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

وحدت و یگانگی به آنها دست می‌دهد و در کاهش تنش‌ها و تعارضات اثرگذار است؛ چرا که تمامی مسلمانان اتفاق نظر دارند که قرآن سخن حق و دور از وهم و خرافه است. بنابراین، همهٔ مسلمین باید قرآن را مرجعی معتبر بدانند و با تمسک به آن، اختلافات خود را کنار نهند و تنش‌ها را به حداقل برسانند؛ چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود: «این پیمانی است که مردم...؛ چه شهرنشینان و چه بادیه نشینان، بر آن اتفاق دارند تا از کتاب خدا پیروی کنند، مردم را بدان فرا خوانند و به اجرائش فرمان دهند، هر دعوتی را که به قرآن باشد بپذیرند، آن را به هیچ بهایی نفروشدند و آن را با هیچ چیز عوض نکنند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵)

۴ - قبله واحد

چهارمین عنصر ارزشی برای هویت اسلامی مسلمانان، داشتن قبله‌ای واحد است که روزانه پنج مرتبه به سوی آن نماز اقامه می‌کنند و هر سال از سرتاسر جهان به سوی آن سرازیر می‌شوند و پیرامونش طواف می‌کنند. طبق آیهٔ قرآن، کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت تودهٔ مردم بنا گردید و نخستین مرکزی است که عبادت کنندگان را به سوی خود جذب می‌کند:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷).

تعبیر «بکه» که به معنای ازدحام و تراکم جمعیت است، نشان می‌دهد که کعبه محوری جهانی بوده که از هر سوی عالم در گسترهٔ زمان، به آن رجوع کرده‌اند و بر اثر انبوه جمعیت، جایگاه آن به بکه نامگذاری شده است؛ آن گونه که در برخی روایات آمده، سر نامگذاری بکه آن است که متکبران را ذلیل می‌سازد و استکبار را درهم می‌کوبد. ج ۱۰، ص ۱۲۷).

آنگاه که کعبه قبلهٔ رسمی مسلمانان شد، پیروان کیش موسای کلیم علیه السلام معترض شدند که چگونه عنوان قبله، از بیت المقدس به کعبه انتقال یافت؟ وحی نازل شد که سابقهٔ کعبه بیش از دیگر بناهای مذهبی عمومی است و کعبه اولین خانه‌ای است که برای عبادت

بندگان خدا و هدایت همگان تأسیس شده است؛ چنان که با برکت‌های فراوان و گوناگون همراه است و هدایت آن برای همهٔ جوامع بشری بوده، مخصوص به عصر خاص یا نژاد معینی نیست؛ به همین جهت از دیرباز همهٔ اقوام و مللی که به پرستش خدا معتقد بودند به کعبه احترام می‌گذاشتند و به علل گوناگونی تکریم آن را لازم می‌دانستند.

۴/۱ - کارکرد قبلهٔ واحد در دیپلماسی فرهنگی حج

از جمله عناصر وحدت آفرین و هویت بخش برای مسلمین، وحدت قبله می‌باشد. هنگام فرا رسیدن اوقات نماز، همه به سوی قبله‌ای واحد می‌ایستند، و در برابر معبودی واحد سر بر زمین می‌نهند و نماز اقامه می‌کنند و قربانی‌های خود را به سوی کعبه ذبح می‌کنند و مردگان خود را به طرف کعبه به خاک می‌سپارند. قرآن کریم، همانطور که کعبه را اولین و با سابقه‌ترین خانهٔ عبودیت و پرستش می‌داند، آن را برای همهٔ جهانیان محور بندگی نیز می‌شناسد و می‌فرماید:

«در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است.»^۱ (آل عمران: ۹۶).

یعنی اولین خانه‌ای که برای همهٔ مردم وضع شده و هدایت جهانیان را تأمین می‌کند کعبه است و هیچ اختصاصی به گروه و نژاد خاصی ندارد و مردم اقلیم معینی، از افراد اقلیم دیگر به آن سزاوار نیستند و مرزهای جغرافیایی نیز در این امر همگانی نقش ندارد. از این رو، ملل گوناگون جهان؛ اعم از هندی و فارس و کلدانی و یهودی و عرب، آن را گرامی می‌داشتند. خداوند سبحان در این باره فرموده است:

«به یادآور هنگامی که مکان کعبه را برای ابراهیم خلیل علیه السلام معین کردیم تا مرجع عبادت پرستندگان را فراهم کند و به او گفتیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران و راکعان و ساجدان پاکیزه نگه دار و در بین مردم دعوت حج را اعلان کن تا از هر سو و به هر وضع و با هر وسیله ممکن از پیاده و سواره و از دور و نزدیک، به ندای تو پاسخ دهند و به منظور انجام حج و زیارت کعبه گرد آیند.»^۲ (حج: ۲۶ و ۲۷).

۱. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ».

۲. «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ».

و در آیه دیگر فرمود:

«هنگامی که ما کعبه را مرجع همه مردم و جایگاه امن و آرامش قرار دادیم.»^۱ (بقره: ۱۲۵).

این تعبیر گرچه به دلالت صریح، مردم اعصار پیشین را شامل نمی‌شود لیکن با توجه به ذیل آیه که فرموده است: «در مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید و به ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.»^۲ (بقره: ۱۲۵) معلوم می‌شود که نه تنها مردم جهان بعد از نزول قرآن به زیارت کعبه فراخوانده شده‌اند بلکه همه افراد قرون گذشته نیز باید آهنگ کعبه می‌کردند و به زیارت آن می‌شتافتند؛ زیرا پیمان الهی نسبت به دو پیامبر بزرگوار و متعهد؛ یعنی ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام این بود که کعبه را برای زائران و طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و ساجدان پاک و پاکیزه نگه دارند.

شاهد قرآنی دیگر اینکه فرمود: «خداوند کعبه را از حرمتی خاص برخوردار ساخت و عامل قیام همگانی و مردمی قرار داد.»^۳ (مائده: ۹۷).

مهم‌ترین عامل قیام همه مردم جهان، خانه‌ای است که همگان به سوی آن نماز می‌گزارند و بر گرد آن طواف می‌کنند و در کنار آن به نیایش می‌پردازند و در حریم آن به تفکر در آیات الهی می‌نشینند.

دقت کافی در محتوای آیه و انسجام صدر و ذیل آن نشان می‌دهد که کعبه به عنوان مطاف عمومی و قیام همگانی قرار داده شده است؛ یعنی اگر هدف همه انبیای الهی این است که مردم با یافتن کتاب و میزان و آشنایی با محتوای ره‌آورد پیامبران به قسط و عدل قیام کنند: «و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوریم تا مردم به انصاف برخیزند.»^۴ (حدید: ۲۵).

عامل مهمی که می‌تواند زمینه قیام همه مردم را به قسط و عدل فراهم کند و خصوصیات نژادی و جغرافیایی را کنار زده، اختلافات مکانی را درنوردد و تشتت و پراکندگی‌های زمانی و زبانی را به

۱. ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً﴾.
۲. ﴿وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾.
۳. ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ﴾.
۴. ﴿وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.

یک سو نهد، کعبه است؛ از این رو، امام صادق علیه السلام فرمود: «همواره دین پروردگار قائم و زنده است مادام که کعبه پابرجاست.»^۱ (حر عاملی، تحقیق: عبدالرحیم ربانی، ج ۸، ص ۱۴).

پس قیام دین به قیام متدینان خواهد بود، همچنان که قیام کعبه، به قیام زائران آن است و همانطور که دین خداوند یکی است و برای همگان است، کعبه نیز مطاف عمومی و زیارتگاه جهانی بوده، قیام جهان شمول مردم با توجه مستمر به آن تأمین می گردد.

جمع بندی

همه موجودیت و هستی مسلمانان به داشتن فرهنگ و هویت اسلامی است. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش های جهانی را شامل شود و بنیاد و سیاست های آن را علایق و ارزش های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه اندک و مبتنی بر قدرت نرم تحصیل شود افزایش می یابد. ارزش های محدود و فرهنگ های ناحیه ای، کمتر می توانند قدرت نرم ایجاد کنند. در میان عناصر ارزشی و هویتی اسلام چهار عنصر توحید، نبوت، کتاب واحد و قبله واحد، مورد قبول همه مسلمانان می باشد و همه این عناصر با حج مرتبط هستند که از عبادات جهانی اسلام است.

بررسی ابعاد گوناگون حج، جهانی بودن آن را به خوبی تبیین می کند؛ زیرا همان گونه که اسلام رفتن به سوی کعبه را هجرت همگان به سوی خدا می شمارد و این هجرت را در پهنه عالم ضروری می داند، ادیان الهی دیگر نیز حج را دستوری رسمی می دانند. گواه بر شهرت حج اینکه تاریخ ارقام سال ها را با حج تعیین می کردند؛ چنانکه در ماجرای موسی و شعیب از مدت هشت سال به هشت حج تعبیر شده است: «به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی.»^۲ (قصص: ۲۷) زیرا در هر سال یک بار حج به جا آورده می شود. بنابراین، هشت حج معادل هشت سال است.

پس حج به عنوان یکی از مهم ترین مظاهر اسلام برای تحقق دو اصل کلیت و دوام شایسته است و از همین رو، آن چه برای ابراهیم خلیل علیه السلام و پیش از او برای آدم اتفاق افتاد برای خاتم پیغمبران نیز روی داد. از این رو، حج منسکی ویژه برای یک ملت یا یک عصر

۱. «لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة».

۲. «على أن تأجرني ثماني حجج».

خاص نیست بلکه حج کلی و دائم است.

براساس آنچه بیان شد حج باید تبلور بخش دو اصل مذکور باشد و گرنه برای جهانیان هدایت نخواهد بود بلکه شیوه‌ای برای قومی خاص و این خلاف مبانی تشریح حج و همگانی بودن آن است؛ چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «نمی‌بینید که خدای سبحان پیشینیان از آدم تا پسینیان از این عالم را به سنگ‌هایی آزمود که نه زیان می‌رسانند و نه سود می‌بخشند و نه می‌بینند و نه می‌شنوند پس خدا آن را خانه با حرمت خود ساخت و آن را موجب پایداری و پابرجایی مردم گردانید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

روشن شد که حج اختصاص به گروه و فرقه‌ای خاص ندارد و برای همه مردم جهان است و مظهر رحمت و برکت الهی برای همه مردم جهان؛ عموماً و جهان اسلام خصوصاً می‌باشد. مسلمانان این منافع را می‌توانند به روشنی در این آیه شریفه ببینند که می‌فرماید: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ هُمْ﴾ (حج: ۲۸) و در روایت است که وقتی از امام صادق علیه السلام درباره کلمه منافع در این آیه شریفه سؤال شد که آیا مراد منافع دنیاست یا منافع آخرت حضرت در جواب فرمودند همه. (محمّدی ری شهری، محمد، مترجم: جوادمحدثی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷، ح ۲۸۷).

یکی از با ارزش‌ترین منافع حج برای زائرین بیت الله الحرام، خودسازی و جلای قلب است که بعد از انجام مناسک حج و اعمال عبادی توصیه شده در حج، غبارها و آلودگی‌های دل پاک شده و صحیفه دل زائر نورانی می‌شود و گویا تولدی دوباره پیدا می‌کند اما این منفعت بزرگ شامل حال هر زائری نمی‌شود بلکه زائری می‌تواند این منفعت را کسب کند که با قلبی آکنده و مملو از عشق به خدا و فارق از هوا و هوس و اغراض مادی به سوی خانه خدا حرکت کند و در تمام مسیر سلوک الی الله انگیزه‌ای غیر الهی نداشته باشد.

از دیگر فواید حج می‌توان به فواید سیاسی آن اشاره کرد که اتحاد و انسجام امت اسلامی در یک زمان و یک مکان از آثار و نتایج آن می‌باشد.

هرساله در مکانی واحد، مسلمانان از نقاط مختلف دنیا تجمع می‌کنند و گرد خانه‌ای واحد طواف می‌کنند و در کنار هم با صفوف فشرده به طرف یک خانه اقامه نماز می‌کنند که همه این‌ها در صورت استفاده صحیح ظرفیت عظیمی از جهان اسلام در مقابل کفار و مشرکین درست می‌کند و باعث قدرت‌نمایی مسلمانان می‌شود و باعث تقویت هویت و فرهنگ اسلامی مسلمانان می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. جerald سی. براوثر. آینده ادیان. ترجمه احمد رضا جلیلی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم، ۱۳۸۴
 ۲. جوادی آملی، عبد الله. توحید در قرآن. قم: نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۸۷
 ۳. جوادی آملی، عبد الله. صهبای حج. قم: نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۵
 ۴. جوزف نای. قدرت نرم. ترجمه محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۹
 ۵. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی، بیروت: احیا تراث العربی.
 ۶. خوانساری، محمد. فرهنگ اصطلاحات منطقی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۷۶
 ۷. رضا صالحی امیری و سعید محمدی، دیپلماسی فرهنگی، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۹
 ۸. ژان میلسن و همکاران، دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق ۱۳۸۹
 ۹. شرفی محمدرضا. جوان و بحران هویت. تهران: سروش، ۱۳۸۱
 ۱۰. طباطبایی سید محمد حسین. شیعه در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲
 ۱۱. مجلسی، علامه، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: موسسه وفا، ۱۴۵۷ق.
 ۱۲. محمدی ری شهری، محمد. حج و عمره در قرآن و حدیث. مترجم: جوادی محمدرضا، قم: دار الحدیث.
 ۱۳. مراجع عظام تقلید. مناسک حج. باب محرّمات احرام.
 ۱۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: نشر آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.